Archive of SID

مجله‌ی علمی‌پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز
سال چهارم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۹۲ (پیاپی ۷)

بررسی عنصر زبان و ویژگی‌های آن در اشعار کودک و نوجوان «مهدی آذریزدی»

زهرا دهقان دهنوی* **یدالله جلالی پندری****
دانشگاه یزد

چکیده

ادبیات کودک در ایران، با نام مهدی آذریزدی (۱۳۸۰-۱۳۸۸ه.ش) نویسنده و بازنویس توانای حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان عجین است. نویسنده‌ای که آثار منثور او شهرت و قبول عام یافته‌اند. سروده‌های آذر یزدی برای مخاطبان کودک و نوجوان از دیدگاه تقدم زمانی و استفاده از ساده‌نویسی قابل بررسی‌اند. او در خلق آثار خود به مفاهیم اندرزی و آموزشی توجه داشته و مفاهیم مورد نظر خود را با زبان ساده‌ی شعر به مخاطب عرضه کرده است. تحقیق حاضر که به روش تحلیل محتوا و با هدف تبیین و بررسی عنصر زبان و میزان تاثیر گذاری ادبیات منظوم و تعلیمی صورت گرفته است، به بررسی کتاب هشت *بهشت آذریزدی می‌پردازد. در کتاب مذکور* که حاوی هشت منظومه از آذریزدی است، با زبانی سالم و به دور از اشکالات و اشتباه‌های زبانی روبه رو می‌شویم؛ هرچند در میان برخی شعرها گاه به کلمات و عباراتی برمی‌خوریم که ممکن است مناسب فهم کودکان و نوجوانان نباشد. استفاده از ضرب‌المثل‌ها و واژه‌های عامیانه باعث صمیمی شدن لحن شعرهای آذر یزدی شده است و اوزان اشعار مزبور هرچند از میان اوزان نشاط‌انگیز انتخاب نشده‌اند، اما در دسته‌ی اوزان پر کاربرد شعر کودک و نوجوان قرار دارند. در این اشعار صنایع ادبی به کار رفته اندک است و آذریزدی در اشعار خود بیش‌تر به ابلاغ پیام‌های اندرزی توجه داشته و کمتر به زیبایی‌های ادبی و هنری پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: زبان شعر، شعر کودکان، مهدی آذریزدی، هشت بهشت

---

* کارشناس ارشد ادبیات فارسی Zahra.Dehghan.D@gmail.com (نویسنده‌ی مسئول)
** دانشیار زبان و ادبیات فارسی Jalali@yazduni.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۵/۲۵

www.SID.ir

Archive of SID

۱. مقدمه

زبان، عنوان مهم‌ترین ابزار برقراری ارتباط بین انسان‌ها، این قدرت و توانایی را دارد که با توجه به پس زمینهٔ زمانی و مکانی و قراردادهای حاکم بر هر زبان، در خواننده یا شنونده آگاهانه یا ناآگاهانه حالت تازه‌ای ایجاد کند. اگر «زبان هنجار را زبان رسمی و معیار در نظر بگیریم، تغییر و تحولاتی که آن را به سمت و سوی دیگری غیر از قواعد حاکم بر زبان معیار سوق دهد، هنجارگریزی به شمار می‌آید و می‌تواند موجب برجستگی زبانی شود و در صورتی که این برجستگی ممتاز باشد، زبان را به سطوح هنری نزدیک می‌کند و به آفرینش شعر می‌انجامد (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۳۲۷). زبان به عنوان مهم‌ترین ابزار بیان و ایجاد ارتباط با کودکان از اهمیت ویژه‌ای برخورداراست؛ زیرا میزان آگاهی‌ها و شناخت کودکان و نوجوانان از گسترهٔ کم‌تر و محدودیت بیش‌تری نسبت به بزرگسالان برخوردار است؛ بنابراین گفته‌ها، نوشته‌ها و سروده‌های کودکان و نوجوانان باید با در نظر گرفتن فضای فکری و ساحت اندیشگی و قدرت انتقال مفاهیم ذهن آنان باشد تا بتواند تأثیر لازم را بر ذهن و اندیشهٔ کودک و نوجوان داشته باشد. استفاده از زبان شعر نسبت به نثر از ظرافت و دقت بیش‌تری برخوردار است. زیرا در شعر مجال توضیح دادن و تشریح و تبیین مسائل کم‌تر وجود دارد؛ بنابراین لازم است از امکانات ویژه ی زبان بهره گرفته شود تا مفاهیم اندرزی و تعلیمی و سایر مسائل به ساده‌ترین شکل و قابل فهم‌ترین شیوه بیان شود.

۱-۱. پیشینه‌ی تحقیق

آهی و دیگران (۱۳۵۲) ضمن بررسی ادبیات کودکان، به شعر ویژه‌ی مخاطبان کودک و نوجوان اشاره کرده‌اند. کیانوش (۱۳۵۵) به بررسی وضعیت شعر کودکانه در ایران پرداخته است و اصول کلی اشعار کودکانه را برشمرده است هم‌چنین علی‌پور (۱۳۸۳) انواع و ویژگی‌ها و بایدها و نبایدهای شعر کودکان را بیش‌تر بر مبنای نظریه‌های قبل از خود بررسی کرده است. آثار یاد شده اگرچه به بررسی شعر کودک پرداخته اند، اما به بررسی عنصر زبان و تأثیر آن در اقبال خوانندگان (کودکان)، بویژه استفاده از شگردهای خاص برای نیل به این مقصود نپرداخته‌اند. پژوهش حاضر به طور خاص به بررسی

www.SID.ir

Archive of SID

امکانات زبانی در سروده‌های آذریزدی می‌پردازد و استفاده از ابزارهـای زبـانی را بـرای ادبیات تعلیمی با تأثیر از آثار کلاسیک زبان فارسی تبیین می‌نماید.

۱-۲. ادبیات کودک در گذشته

قدمت ادبیات کودکان به اندازه‌ی قدمت ترانه‌ها، لالایی‌ها، داستان‌هـا و حتّـی واژگـان و اصطلاحات خاصّ کودکانه است که بخشـی از ادبیـات شـفاهی بـوده‌انـد و جنبـه‌ای از ادبیات کودک را در خود دارند. با گردآوری و مکتوب شدن ادبیات عامیانه، این ادبیـات شفاهی که محتوایی مناسب کودکان داشت، منجر به پیدایش ادبیـات مکتـوب و رسـمی کودکان شده کم کم به صورت بخشـی مسـتقل و مجـزا از ادبیـات، مـورد توجـه قـرار گرفت. در سده‌ی بیستم، ادبیات کودکان به عنوان مبحثی شناخته شده و قابـل بررسـی، به‌تدریج از کشورهای اروپایی به کشورهای آسیایی و ازجمله ایران رسـید؛ پـیش از آن در ایران، ادبیات شفاهی عامیانه و آثار داستانی ادبیات بزرگسالان از آثار مهم کودکان به شمار می‌رفت و نیاز کودکان به ادبیات، بیش‌تر با بخشـی از ادبیـات بزرگسـالان تـأمین می‌شد که از نظر درونمایه و به‌ویژه جذابیت کلام، هماهنگ با نیـاز و پسـند کودکـان و نوجوانان بود. البته در دوران باستان کتاب‌هایی مناسب کودکان در ایـران وجـود داشـته است؛ اما با توجّه به در دسترس نبودن امکانات و کم بـودن افـراد باسـواد، چیرگـی بـا ادبیات شفاهی بوده است (عریان، ۱۳۷۷ :۱۰). در زمینه‌ی شعر نیز بیش‌تـرین نیـاز ایـن گروه سنی با اشعار و ترانه‌های عامیانه که موسیقی و آهنگ زیبایی داشتند تأمین می‌شده است. بخشی از این آثار شفاهی، متعلق به بزرگ‌سالان بوده که مورد توجه کودکـان نیـز قرار گرفته و برخی دیگر مانند لالایی‌ها و ترانه‌های کودکانـه، از ابتـدا ویـژه‌ی کودکـان ساخته و پرداخته شده‌اند (قزل‌اياغ، ۱۳۸۳: ۲۴۵). در واقع در ایران جریانی که بتـوان آن را تولید ادبیات کودکان به مفهوم امروزی آن دانست، بیش‌تر در دوره‌ی مشروطه شـکل گرفت. در این دوران با توجه بیش‌تر به سوادآموزی و تربیت نسل جوان، توجّه مسـتقل و ویژه به کودک و هویّت کودکی رونق گرفـت و شـاعرانی چـون سـید اشـرف‌الـدین گیلانی (نسیم شمال)، دهخدا، عبدالعظیم قریب، ملک‌الشعرای بهـار، پـروین اعتصـامی، لطفعلی صورتگر، گل گلاب، عشقی، ابوالقاسم لاهوتی، حسین دانـش و ... اشـعاری را به زبان کودکان سرودند. جبار باغچه‌بان نیز در کنار سایر فعالیت‌های آموزشـی و ادبـی

www.SID.ir

Archive of SID

خود، اشعاری را برای کودکان سرود و یحیی دولتآبادی نیز به انتشار آثاری برای کودکان پرداخت (محمدی۱۳۸۰، ۵۳۹/۴). در این میان شاید بتوان ایرج میرزا را یکی از معماران ادبیاتِ نو کودکان ایران به شمار آورد زیرا او از اولین افرادی بود که آگاهانه دست به سرودن اشعاری مناسب با زبان و دنیای کودکان زد و در این کار نیز به موفقیت دست یافت (همان: ۱۷۴/۵)؛ بعد از پیدایش شعر نو در ایران، شعر کودک نیز دچار دگرگونی شد و ترانههایی برگرفته از ترانههای عامیانهی ملّی به آن مجموعه افزوده شد؛ مثلاً نیمایوشیج به صورت جسته و گریخته اشعاری را برای کودکان پدید آورد و احمد شاملو این نوع شعر را به پختگی رساند و افرادی مثل محمود کیانوش، پروین دولتآبادی، .م. آزاد و ... نیز در این حوزه فعّالیّت کردند. سپس فعالیت آفرینندگان آثار ادبی، و تأسیس مؤسسات مربوط به این حوزه، کیفیت و حجم آثار ادبیّات کودک و نوجوان را رونق بخشید و همچنین عباس یمینی شریف علاوه بر سرودن شعر کودک، به انتشار مجلهی خاصّ کودکان مبادرت کرد (هاشمینسب، ۱۳۷۱: ۲۳).

بعد از انقلاب اسلامی، نویسندگان و شاعران زیادی به فعالیت در زمینهی خلق آثار برای کودکان و نوجوانان روی آوردند و احمدرضا احمدی، مصطفی رحماندوست، جعفر ابراهیمی (شاهد)، قیصر امینپور و اسدالله شعبانی به سرودن شعر برای کودکان پرداختند. در دههی هفتاد علاوه بر هنرمندان گذشته، افرادی مانند ناصر کشاورز، افشین علاء و افسانه شعبانِنژاد نیز در حوزهی شعر فعالیت کردند. در این دهه *پژوهشنامهی ادبیات کودک و نوجوان* شروع به کار کرد و برخی آثار ایرانی در حوزههای جهانی منتشر و مطرح شدند.

در میان تلاشگران عرصهی ادبیات کودک، مهدی آذریزدی، در کنار توجّه جدّی به بازنویسی ادبیّات رسمی برای کودکان، دست به خلق اشعاری برای کودکان و نوجوانان زد و آنها را در کتاب هشت *بهشت*، هشتمین جلد از مجموعه کتاب خود *قصههای تازه از کتابهای کهن*، در سال ۱۳۵۰ به چاپ رساند.

با بررسی عنصر «زبان» و ویژگیهای آن در اشعار این کتاب وهمچنین با مطالعهی ساختار زبانی این اشعار، مشخصات زبانی آنها به دست خواهد آمد و برای پرسشهایی از این دست که ویژگیهای ساختاری زبان اشعار آذریزدی کدامند؟یا زبان

www.SID.ir

Archive of SID

آثار او در انتقال مفهوم و محتوا چه امکانات و چه کاستی‌هایی دارد؟ پاسخ‌های مناسبی یافته خواهد شد. هم‌چنین معلوم خواهد شد که اشعار او در از نظر آرایه‌های زبانی در چه سطحی قرار دارند؟ و اصولاً زبان به کار رفته در اشعار او تا چه حد توانسته است در برقراری ارتباط با مخاطبان خود موفق باشد؟

۲. ویژگی‌های کلی کتاب *هشت بهشت* مهدی آذریزدی

کتاب *هشت بهشت* هشتمین جلد از مجموعه‌ی *قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن* و شامل هشت اثر منظوم آذریزدی است؛ چهار شعر «گربه و موش»، «بلبل و بچه‌اش»، «نادر و پیر دهقان» و «طوطیانه» در قالب حکایت و چهار شعر «لحاف و کرسی»، «قوری و سماور»، «خودنویس و مداد» و «کوزه و آب» در قالب مناظره سروده شده است و شعر «نادر و پیر دهقان» بازنویسی حکایتی از «*مجموعه لطایف شکوهی مراغه‌ای*» است.

در اشعار روایی *هشت بهشت*، شخصیت‌ها از میان جانوران (گربه، موش، طوطی و بلبل) و در مناظره‌ها شخصیت‌ها از میان اشیای بی‌جان (لحاف، کرسی، آتش، قوری، سماور، خودنویس، مداد، کوزه و آب) انتخاب شده‌اند؛ در این میان آذریزدی تنها دو شخصیت از سه شخصیت شعر اول (گربه‌ی مادر و گربه‌ی فرزند) را با نام‌های «پیشی» و «نازی» نام‌گذاری کرده است و سایر شخصیت‌های این کتاب بی‌نام‌اند. به نظر می‌رسد آذریزدی در نام‌گذاری اشعارخود نیز دقّت و حسّاسیّت چندانی نداشته و به سهل‌ترین عنوان‌ها بسنده کرده است؛ زیرا عنوان‌های اشعار او غالباً بر اساس نام شخصیّت‌های اصلی داستان انتخاب شده و این نوع عنوان در اصول داستان‌نویسی از انواع عنوان‌های ضعیف و نامطلوب محسوب می‌شود (قاسم‌نژاد،۱۳۷۶: ۹۹۶). تنها در نام‌گذاری شعر «طوطیانه» به شیوه‌ای متفاوت با سایر اشعار عمل کرده و نامی را با رعایت سادگی و کوتاهی برگزیده است؛ شیوه‌ای که از جمله ویژگی‌های مناسب‌ترین عنوان برای داستان به شمار می‌رود (همان). با وجود اینکه عنوان شعر «طوطیانه»، کمی غریب به نظر می‌رسد، آذریزدی در شعرخود آن را به شیوه‌ای زیبا مطرح کرده که در ذهن مخاطب پذیرفتنی‌تر است:

«طوطیان طوطیانه می‌گویند — سخن خویش را نه طوطی‌وار
طوطی ازدست رفت اگر افتاد — در پی حرف یار آینه‌دار»
(آذریزدی، ۱۳۶۹: ۳۱)

www.SID.ir

Archive of SID

۳. عناصر ساختاری زبان در اشعار کتاب *هشت بهشت*

شرط لازم و اساسی پذیرفته شدن و مورد توجه قرار گرفتن آثار کودک و نوجوان، به کارگیری زبان مناسب و قابل فهم برای مخاطبان آن است. زبان باید ساده و امروزی باشد و زبان شکسته و درهم ریختگی نحوی جملات در آن به چشم نخورد (علیپور، ۱۳۸۳: ۱۱۴ و ۱۱۵). یعنی متنی که برای کودک و نوجوان نوشته شده است باید تا حدّ امکان متشکل از جملات سالم و بدون جا به جایی بوده از جملات معترضه و کلمات حشوگونه دور باشد و البته مفهوم آن برای مخاطب دشوار نباشد تا باعث خستگی و رها کردن مطالعه نشود (شجری، ۱۳۸۴: ۱۶۷). زیرا کودکان با اثری ارتباط برقرار میکنند که «با زبانی ساده و قابل فهم کودکان موضوعات اساسی زندگی را مطرح کند» (یمینیشریف، ۱۳۷۲: ۱۵۹). و با واژگان و ترکیبات و سایر عناصر زبانیِ آشنا با گوش و ذهن و زبان آنها سخن بگوید. در بررسی سروده‌های مهدی آذریزدی نیز باید میزان ارتباط زبان اشعاراو با مخاطبان سنجیده شود.

۳-۱. میزان سلامت اجزای ساختاری زبان در اشعار آذریزدی

از آنجا که دوران کودکی دوران شکلگیری پایه و اساس زبان آموزی کودکان است، امکان دارد استفادهی نادرست از زبان، سبب غلطآموزی و مقدمهی اشتباهات زبانی کودک شود و زیان این بدآموزی از غلطنویسی در ادبیّات بزرگسالان نیز بیشتر باشد؛ بنابراین، اولین اصلی که پدیدآورندهی آثار متعلق به کودک و نوجوان باید به آن توجه داشته باشد، استفاده از زبان درست و سالم و مطابق با اصول درستنویسی است. این اصل در اشعار آذریزدی نیز رعایت شده و استفاده از زبان سالم در این آثار دیده میشود. واژگان آثار آذریزدی صحیح و به دور از اشکال است، جملات نیز تا آنجا که وزن شعر اقتضا میکند از نظر دستوری کامل و سالم است، کاربرد افعال، ضمایر، قیدها، حروف اضافه و ... نیز تقریباً در همه جای اشعار بههنجار و درست است.

۳-۲. شیوه‌های به کارگیری زبان در اشعار آذریزدی

در ادبیّات کودک، زبانی برای کودکان مناسب است که کودکان بدون نیاز به تلاش زیاد و بدون از دست دادن شور و اشتیاق به خواندن، آن را دریافت کنند و واژگان و

www.SID.ir

Archive of SID

جملات و مفاهیم آن را بشناسند؛ یعنی «کودک آنها را قبلاً در محیط خانه و مدرسه و یا در رسانه‌ها شنیده باشد» (شجری، ۱۳۸۴: ۱۶۵). البته این نکته را باید در نظر داشت که در متون ویژه‌ی کودکان و نوجوانان، اصل بر منحصر کردن دایره‌ی واژگان متن به واژه‌های قابل فهم مخاطبان نیست و «از آنجا که کودک می‌تواند زبان بالاتر ازسطح زبان خود را بفهمد، سطح نوشته باید کمی بالاتر از زبان محاوره‌ای و معمولی کودک باشد» (شعاری‌نژاد، ۱۳۴۷: ۹۷). از روش‌های آشنا کردن ذهن مخاطب با واژه‌ی جدید، به‌کاربردن مکرر آن واژه در طول نوشته است و هم‌چنین می‌توان این نوع واژگان را با مترادفشان که برای کودکان آشناتر است به کار برد (رهگذر،۱۳۶۶: ۹۳). واژگان جدید باید متناسب با اوضاع فرهنگی و اجتماعی جامعه انتخاب شوند و به گونه‌ای سازماندهی شوند که یا در خلال اثر معنا شوند و یا این که در جملات غیر کلیدی تعبیه شده باشند که فهم و درک داستان در گرو دانستن معنی آن واژه‌ی بخصوص نباشد و البته می‌توان با حرکت‌گذاری واژگان دشوار، مخاطب را در یادگیری بهتر اثر یاری داد (شجری، ۱۳۸۴: ۱۶۵–۱۶۸). بدین ترتیب «کودک هم داستان را خوانده و سرگرم شده و هم با مقداری لغت های تازه آشنا [شده است]» (محجوب،۱۳۵۶: ۴۱).

در اشعار آذریزدی، گاه به کلمات و عباراتی دیده می‌شود که ممکن است برای خواننده ناآشنا باشد و یا مخاطب معنی آن را به درستی نداند و گاه نیز تعداد این عناصر ناآشنا از حد تعداد معدودی واژه در هر شعر فراتر می‌رود و درک اثر را قدری با مشکلات همراه می‌کند؛ او در یکی از اشعار، واژه‌ی «اغیار» را به کار برده و معنی آن را در پانویس آورده است (آذریزدی، ۱۳۶۹: ۲۸) اما در شعرهای دیگر واژگانی مانند «ملول» (همان:۸)، «یکسر» (همان:۲۸)، «اینک» (همان:۱۳)، «صوت»، «هزار»، «رهوار»، «سیاحت»، «ناهنجار»، (همان:۱۵) «شِکوِه»، «حذر»، (همان:۱۷)، «پندار»، «زنهار» (همان:۱۸)، «محتضر» (همان:۳۴)، «مهمل» (همان:۳۷)، «هجو» (همان)، «درخور» (همان)، «شهر فرنگ» (همان:۳۸)، «ماشین تحریر» (همان)، «غرض» (همان:۴۱) و «عزت» (همان) را به کار برده است که این امر اشعار آذریزدی را تا حدودی به دشواری کشانده است و زبان آنها را از زبان متداول و آشنای کودک و نوجوان دور کرده است؛ در این جا باید توجّه داشت که آذریزدی هیچ‌گاه به مدرسه نرفته (آذریزدی، ۱۳۷۵: ۵۴–۵۵) و طبعاً با سطح زبان مخاطبان خود آشنایی چندانی نداشته است؛

www.SID.ir

Archive of SID

هم‌چنین باید در نظر داشت که زبان مخاطب از سال ۱۳۵۰ (سال انتشار اثر) ، تا به امروز دگرگونی‌های چشمگیری داشته و زبانی که امروز دشوار یا کهن شمرده می‌شود شاید در زمان انتشار اثر وضع دیگری داشته است. در این باره برای دست‌یابی به داوری نزدیک به واقعیت، می‌توان اشعار آذریزدی را با اشعار کودکانه‌ی شاعری دیگر که در همان سال به چاپ رسیده است سنجید. محمود کیانوش در سال ۱۳۵۰ مجموعه‌ای از اشعار چیستان‌گونه‌ی خود را با نام *زبان چیزها* برای کودکان منتشر کرده است؛ وی در آثار خود از واژگان کاملاً متفاوتی بهره گرفته است و به نظر می‌رسد در نزدیک کردن زبان آثار خود به زبان کودکان، تلاش بیش‌تری کرده باشد. برای به دست دادن نمونه می‌توان به بخشی از یکی از اشعار او در این کتاب توجه کرد: «غول شب آمد به خشم/ تاختن آغاز کرد/ تا بخورد هرچه هست/ غار دهان باز کرد/ از همه‌ی چیزها/ رنگ رفت، نور رفت/ جنبش و آواز رفت/ حال رفت، شور رفت/ تا که به دل، چشم گفت:/ «تار شدم، نور نیست!»/ چشم به او گفت: «نور/ از من و تو دور نیست» (کیانوش، ۱۳۵۰: ۴۵). سادگی واژگان و هماهنگی آنها با زبان روز کودکان در این شعر، اثر را هرچه بیش‌تر به ذهن و زبان مخاطب نزدیک کرده است؛ اما در آثار آذریزدی کاربرد واژگان و جمله‌پردازی‌های قدیمی زبان شعر را به زبان کهن نثر و شعر فارسی نزدیک‌تر می‌کند. بنابراین زبان اشعار وی، در همان دوران نیز با زبان متداول و معیار و هم‌چنین زبان آشنای کودکان فاصله داشته است؛ در مورد کاربرد واژگان کهن و شکل قدیم واژگان، می‌توان به این موارد اشاره کرد: «در حنای تو دگر رنگی نماند» (همان:۳۷)، «تا تو را گفتن است چون خویشان» (همان:۲۹)، «چون که موش آمد از برش برود»(همان:۱۰) و در موارد مشابه از نوع حروف نیز این نمونه‌ها قابل ذکرند: «کار نازی به روز و شب بازی» (همان:۷)،«بعد از این سعی کن ز توپ و تشر / موش را از خودت نترسانی»(همان:۱۰)، «بلبلی در شکاف یک دیوار/ داشت در لانه جوجه‌ای به کنار» (همان:۱۴)، «ورنه تقلید حرف بیگانه / می‌برد رشته‌ی امید از دست» (همان: ۲۹)؛ از میان افعال نیز این نمونه‌ها را می‌توان برشمرد: «اصل خود را مکن به فرع بدل»(همان:۲۸)، «طوطیان را همی کنی بدنام» (همان:۳۱)، «هرچه این گفته‌ها کنی تکرار/ بیش‌تر می‌خوری پشیمانی»(همان:۳۰)، «تو چوب خشکی و سرما نمی‌توانی خورد» (همان:۳۲) در شیوه‌ی جمله‌پردازی نیز جملاتی از این دست به چشم

www.SID.ir

Archive of SID

می‌خورند: «هیچ شرم و حیا نمی‌فهمد»(همان:۷)، «زندگی را هزار فوت و فن است» (همان:۱۰)، «مادرش گفت حیله برده به کار / خواجه تا بر مراد او بروی» (همان:۳۰)، «آب اگر هست اصل مقصود است / ور نباشد نه جای بد حالی است» (همان:۴۱) به نظر می‌رسد آذریزدی در بازنویسی‌های خود، به گونه‌ای خود را وامدار آثار کلاسیک می‌دانسته و خواسته است شرط وفاداری به متن و امانتداری را رعایت کند؛ از این رو زبان بازنویسی‌های او به فارسی کلاسیک نزدیک است.

شاعر هم‌چنین با کار برد واژگان، عبارات و اصطلاحات عامیانه و ضرب‌المثل‌هایی که در زبان گفت‌وگو و روزمره متداول است، کوشیده زبان شعر خود را به زبانی آشنا تبدیل کند که در بسیاری جاها نیز موفق بوده و این موضوع غالبا بر یکدستی شعر تأثیر نامناسبی نداشته و با متن و زبان روایت داستان هماهنگ شده است. هم‌چنین به نظر محققان هرچند اثر باید مرزهای خود را با زبان شفاهی حفظ کند استفاده‌ی گاه به گاه از لطایف و ظرایف و ظرفیت‌های زبان عامیانه می‌تواند به تقویت متن کمک برساند (بابایی،۱۳۸۷: ۱۹۳). در باره‌ی نزدیکی زبان شعر آذریزدی به زبان عامیانه، از نمونه واژگانی که در اشعار او به کار رفته می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

«من هم آخر پرنده‌ام انگار» (آذریزدی،۱۳۶۹: ۱۵)، «می‌کند بازی و ادا اطوار» (همان: ۱۷)، «شنگول» (همان:۸)، «مگر آخر جزجگرداری؟» (همان:۳۴)، «تو غرولند بی‌ثمر داری»(همان:۳۵)، «دلبری کار خروس قندی است»(همان:۳۸)، «بچه‌ی آدم از تو گُنده‌تر است»(همان:۱۷)این واژه‌ها که در بیش‌تر موارد با متن پیوند یافته و سبب ایجاد ناهماهنگی نشده‌اند؛ اما گاهی نیز به یکدستی متن آسیب زده و آن را دچار نوعی نوسان در زبان کرده‌اند؛ مانند کاربرد واژگان «گُنده»، «جزِ جگر» و «ادا اطوار» که جای خود را در شعر نیافته و تجانس و هماهنگی لازم را با بافت اثر ندارند؛ در حالی که از اصول نوشتن برای کودکان هماهنگی واژه‌ها با بافت متن و مفهوم جملات است (ابراهیمی، ۱۳۵۳: ۵۰-۵۱)

هم‌چنین آذریزدی در به کار گرفتن اصطلاحات عامیانه نیز کوشش داشته و بسیاری از عبارات اصطلاحی و کنایی زبان عامیانه و حتّی زبان گویشی ناحیه‌ی یزد را مانند عبارت «شت و شوت»، به زبان شعر آورده است: « گر تو به شت و شوت کار کنی/ می‌خورد تیر تو همیشه به سنگ» (آذریزدی،۱۳۶۹ :۹)، سایر نمونه‌ها از این

www.SID.ir

Archive of SID

قرارند: «نازی از شوق لب به خنده گشود ، گفت جانم! که خوب فهمیدم» (همان:۱۰)، «خاک‌برسر چقدر بی ادب است» (همان:۸)، «تو بی‌بخار چه داری که گرمی آرد بار؟» (همان: ۳۲)، «تا دو مثقال آب جوش آری / خانه را روی سر تو برداری» (همان:۳۴) و هم‌چنین جملاتی مانند: «گر تو به شت و شوت کار کنی/ می‌خورد تیر تو همیشه به سنگ» (همان:۹)، «کارت زار شد» (همان:۳۷)، «زحمت خود کم کن از بازار من»(همان:۳۷)، «من شما را به جا نیاوردم»(همان:۱۱)، «چه غمی داشتی بلا دور است» (همان:۱۱)، «رسمش این است؟ حاصلش اینهاست؟»(همان:۱۲)، «لب ببند از منم منم گفتن» (همان:۴۲)، «سرمان رفت گوشمان کر شد»(همان:۳۴). در اشعار مورد نظر مقدار قابل‌توجهی از این نمونه‌ها وارد شده است که علاوه بر نزدیک شدن زبان داستان به زبان مخاطب، و افزایش دایره‌ی زبانی کودک و نوجوان، فضای کلاسیک متن و نزدیکی زبان آن به ادبیات سنتی نیز حفظ شده و این جملات عامیانه، به خوبی با متن پیوند یافته‌اند. نکته‌ی قابل توجه دیگر این که سادگی جملات و نزدیکی آن‌ها به زبان عامیانه، موجب ورود کلمات شکسته در متن نشده و در بررسی جملات اشعار تقریباً به هیچ کلمه‌ی شکسته‌ای برخورد نمی‌کنیم. تنها در یک مورد در جایگاه قافیه، به جای «رویَش» از «روش» استفاده کرده است: «خاک روش نشست»(همان:۸)، البته گاهی نیز کاربرد زبان عامیانه، با اشکالات و نارسایی‌هایی همراه بوده است؛ مانند نمونه‌های: «ننه جان دست از دلم بردار»(همان:۱۵) به جای «دست از سرم بردار» و یا «دست بر دلم نگذار»، «من هوای تو را توی برف و یخ دارم» (همان:۳۲)، «خانه را روی سر تو برداری» (همان:۳۴) به جای «روی سر بگذاری»، «چه خبر از جهان مگر داری؟» (همان: ۳۴) به جای جمله‌ای مانند «چه خبر است؟»، «اول کار خاصیت دارد/ خوش‌زبانی و گربه‌رقصانی»(همان:۱۰) که «گربه رقصانی» را به معنی «چرب‌زبانی» و «تملق» و «خوش‌زبانی» به کار برده است؛ «آتشی را که من به دل دارم/ بشکنی گر تو زیر پر داری» (همان:۳۵) که به نظر می‌رسد در کاربرد عبارت «زیر پر داشتن» که به معنی «در حمایت خویش داشتن» است (دهخدا،۱۳۷۳،ج۸: ۱۱۵۲۴) معنی تصویری آن را در نظر داشته و منظور «در کنار داشتن» آتش است که این مفهوم، اندکی با دشواری دریافت می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

در برخی موقعیت‌ها نیز آذریزدی ضرب‌المثل‌هایی را وارد شعر کرده است که سبب لطف و غنای بیش‌تر اشعار او شده‌اند. به باور پژوهش‌گران، گروه سنی «ج» و «د»، ضرب‌المثل‌ها را به خوبی درمی‌یابد (آهی،۱۳۵۶: ۴۲) و آذریزدی نیز چند ضرب‌المثل را هماهنگ با روانی زبان، در اشعارخود گنجانده است؛ این ضرب‌المثل‌ها گاه تقریباً به صورت کامل در شعر آمده‌اند: «در حنای تو دگر رنگی نماند»(همان:۳۷)، «داغ‌تر می‌خواستی کاسه ز آش»(همان:۳۷) گاه نیز اشاره‌ای به ضرب‌المثلی شده است: «قاچ زین را بگیر و بنشین راست» (همان:۳۶)، که اصل آن«قاچ زین را محکم بگیر نیفتی، اسب سواری پیش‌کشت.» است (دهخدا،۱۳۷۳ج۱۰: ۱۵۲۵۲). باید توجه داشت تلاش در گنجاندن تعداد زیادی از ضرب‌المثل‌ها و عبارات مشهور در متن، گاه ممکن است باعث تصنعی شدن متن و سلب تمرکز مخاطب از پیام اصلی داستان گردد؛ بنابراین، بهتر است شاعر در شعر خود به صورت متناسب از ضرب‌المثل‌ها استفاده کند. در اشعار آذریزدی نیز کاربرد افراطی ضرب‌المثل‌ها دیده نمی‌شود.

موارد دیگری که گاه در اشعار آذریزدی به چشم می‌خورد و موجب دیرفهمی هدف و منظور شاعر شده است، برخی از نارسایی‌های زبانی و پیچیدگی‌هایی است که در تعدادی از ابیات دیده می‌شود و افزون بر آن که دریافت منظور و مفهوم شعر را تا اندازه‌ای پیچیده و دشوار ساخته، از لطف و گیرایی آن نیز کاسته است. از این نمونه‌های معدود که تعدادشان در واقع بسیار اندک است، این موارد را می‌توان نام برد:

«جوجه ترسید و ماند در لانه / از غم ناتوانی‌اش غم‌دار»(همان:۱۵) کاربرد «غم‌دار»، به‌ویژه با وجود واژه‌ی «غم» که قبل از آن آمده، از لطف شعر کاسته است؛ «شکوه از لانه‌ی بلند مکن/ بلبلان را چنین خوش است شعار/ ما ز دشمن چنین پناه آریم/ روی دیوار و جای گوشه کنار»(همان:۱۷) بهتر بود چنانچه «شعار» به معنی «سنت» و «روش» به کار رفته است، در پانویس شرح داده می‌شد؛ «بعد از آن وقت شادی است و نشاط/ روز پرواز و عیش و بوس و کنار»(همان:۱۸) در اینجا مشخص نیست بلبل، که فرزند خود را به صبر می‌خواند تا کم‌کم پرواز و راه و رسم زندگی را بیاموزد، از «بوس و کنار» چه مقصودی داشته است؛ «غیر از این طوطیان که در چمن‌اند/ نیست غمخوار گرچه یار غم است»(همان:۲۸) جمله‌ی «گرچه یار غم است» بیت را از مقصود طوطی که گوینده‌ی آن است دور کرده و به حوزه‌ی جدیدی وارد

www.SID.ir

Archive of SID

ساخته که باعث پیچیدگی معنای بیت شده است؛ زیرا طوطی می‌خواهد طوطیان را دوست و غیرطوطیان (غیرهمجنسان) را دشمن و بیگانه معرفی کند و قصد او نمی‌تواند بیان این نکته باشد که دوستی سبب غمگینی است، «دلقکی بود و خود گمان می‌برد/ که همی دوستدارتر می‌شد»(همان:۳۰) که «دوستدار» را به معنی «دوست داشته شده» و «دوست‌داشتنی» به کار برده است؛ «ناگهان یک صدای ریز شنید/ گوش‌ها تیز کرد و چشم به در»(همان:۸) که «صدای ریز» را به معنی صدای نازک که از حیوانی مانند موش شنیده می‌شود به کار برده و شاید کاربرد «صدای زیر» در این موقعیت مناسب‌تر بود؛ علاوه بر آن، فعل مصرع دوم بدون قرینه حذف شده که شاید مقصود آن باشد که «گوش‌ها تیز کرد و چشم به در کرد.»؛ «آب اگر هست اصل مقصود است/ور نباشد نه جای بدحالی است»(همان:۴۱) در حالی که بیت در تعریف آب آمده است و بی‌شک در نبودن آب جای بدحالی است؛ «تو چوب خشکی و سرما نمی‌توانی خورد/ منم که گرمم و از پشم و پنبه پروارم»(همان:۳۲) به نظر می‌رسد «سرما نمی‌توانی خورد» به معنی «طاقت سرما نداری» باشد که اندکی به دشواری افتاده است؛ «اگر زبانه کشم می‌کنند خاموشم/اگر به پای کسی برخورم گرفتارم»(همان:۳۳) که در واقع مقصود «اگر پای کسی به من برخورد» است؛ چرا که بیت از زبان آتشِ زیر کرسی بیان شده است؛ «خط من چون هست فولادی سرش/ هست یکسان اولش تا آخرش»(همان:۳۸) که از زبان خودنویس، «سَرِ فولادی» را به «خط» نسبت داده است؛ «عمر تو خیلی که باشد هفته‌ای/ عمر من ده سال هم کم گفته‌ای»(همان:۳۸) در این بیت، شاعر حداکثر طول عمر «مداد» را «یک هفته» توصیف کرده که اندکی دور از واقعیت است و نیز در شعر قرینه‌ای برای تعبیر طنزآمیز و یا مبالغه‌آمیز این موضوع به چشم نمی‌خورد؛ «دست اگر شل بود رنگ من کم است/ سفت اگر شد، زیر پایم محکم است»(همان:۴۰) می‌گوید اگر دست سفت شد، زیر پایم محکم است که با توجه به این که منظور سفتی و شُلی و کم‌رنگی و پررنگی مداد و نوشته‌ی آن است، معنی مصرع دوم دشوار و پیچیده به نظر می‌رسد؛ «دیگر ای بی هنر چه داری کار/ که فضولی به خیر و شر داری»(همان:۳۶) «فضولی به چیزی داشتن» را به معنی «فضولی کردن» و «کاری به کارکسی داشتن» آورده که کاربرد متداول و روانی نیست، به‌ویژه که مخاطب کودک و نوجوان باشد؛ «سال‌ها نیز درس می‌خوانَد/ تا شود روزی آدمِ دل‌دار»(همان:۱۷) «دل‌داری» به معنی دل

www.SID.ir

Archive of SID

و جرأت داشتن را که معمولاً به معنی «شجاع و نترس بودن» به کار می‌رود حاصل درس خواندن می‌داند که شاید بهتر بود حاصل درس خواندن را با مفاهیم آشناتری بیان می‌کرد و یا اگر معانی دیگر «دل‌داری» مانند «پُرتوانی» و «پُرتحمل بودن» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج۷: ۹۷۰۲) را در نظر داشت، بهتر بود معنی مورد نظرخود را در پانویس ذکر کند.

در این نمونه‌ها، روانی و شیوایی شعر که از ویژگی‌های مهم آن به شمار می‌رود، تحت تأثیر محتوا و وزن و قالب آن قرار گرفته است؛ در حالی که کودکان با اشعاری بهتر و بیش‌تر ارتباط برقرار می‌کنند که بتوانند آن را به روانی و سهولت بخوانند و معنی آن را دریافت کنند.

۳-۳. کاربرد صنایع ادبی در اشعار آذریزدی

به کار بردن سخن آراسته و آرایش کلام در متون داستانی که به صورت شعر بیان شده باشد، به ارتقای متن کمک می‌کند (فروغی،۱۳۸۹: ۹۶) و به ویژه در آثار ویژه‌ی کودک، کاربرد بیش از حدِ آرایه‌های ادبی، شعر را از دریافت و فهم مخاطب دور می‌دارد. بنا به یافته‌های پژوهشگران، کودکان از صنایع لفظی و معنوی که نمی‌توانند مفهوم آن را دریافت کنند، لذتی نمی‌برند و کاربرد زیاد مجاز و استعاره و صنایع ادبی، شعر کودک را دشوار و دیرفهم می‌سازد(یمینی شریف،۱۳۷۲: ۱۶۱-۱۶۲)؛ هم‌چنین باید در نظر داشت در آثار ویژه‌ی کودکان، آرایه‌هایی ارزشمند تلقی می‌شوند که دارای نوآوری و تازگی باشند و پیش‌پا افتاده به شمار نیایند و البته متناسب با دنیای کودکان باشند (قزل‌اياغ،۱۳۸۳: ۲۱۲). کودک از سنین ده و یازده سالگی می‌تواند زبان هنری را درک کند (آهی و دیگران،۱۳۵۶: ۴۲) و از آنجا که گروه سنی مخاطب اشعار آذریزدی بر اساس توضیحی که پشت جلد کتاب اشعار او آمده گروهای سنی «ج» و «د» (کودکان سال‌های آخر ابتدایی و نوجوانان دوره‌ی راهنمایی) هستند، شاید به کاربردن اندکی از صنایع ادبی می‌توانست به لطف اشعار و میزان لذت بردن مخاطب بیفزاید؛ اما در اشعار آذریزدی، به نمونه‌ای از صنایع ادبی و پیچیدگی‌های زبان هنری برنمی‌خوریم و باید گفت که تنها جنبه‌ی هنری بودن زبان او همان سادگی و گیرایی آن است؛ زیرا صنایعی که در اشعار او به کار گرفته شده، بسیار معدود و انگشت‌شمار است که البته گاه منجر

www.SID.ir

Archive of SID

به خلق ابیات زیبایی هم شده است؛ اما به طور کلی، صنایع ادبی در اشعار آذریزدی جایگاهی ندارند و می‌توان گفت اشعار او فارغ از آرایه‌ها و صنایع ادبی و خیال‌انگیز است. شاید بتوان چنین استنباط کرد که آثار آذریزدی در این کتاب، شعر نیست و تنها نظم است، یعنی در واقع، اشعار او حکایات منظومی‌اند که صاحب‌نظران ادبی آن نوع از شعر را «منظومه» نامیده‌اند و بر اساس تعریف منظومه به‌وسیله‌ی پژوهش‌گران، این نوع اشعار داستان‌هایی‌اند که در قالب شعر و با استفاده از وزن و قالب و قافیه ساخته شده‌اند (کیانوش، ۱۳۵۵: ۸۰). شاید بتوان گفت چنین اشعاری چون از خیال‌انگیزی و صنایع ادبی خالی‌اند، رسالت موسیقی و روانی و جذابیت کلام در آن‌ها بیش‌تر است و چنانچه ضعفی در این جنبه‌ها داشته باشند، این ضعف آشکارتر خواهد بود.

آذریزدی در این اثر، گاه نیز زبان بسیار زیبایی به کار گرفته و در نهایت روانی و سادگی، برخی ابیات بسیار نغز و زیبا را سروده است؛ این ابیات از ابیات پرکشش و دلنشین‌اند که مخاطب از خواندن و به خاطر سپردن آنها لذت می‌برد؛ مثلاً در شعر «گربه و موش» گربه‌ی مادر به فرزند خود این‌گونه نصیحت می‌کند که: «موش را ما به حیله می‌گیرید/ حیله با حرف خوب می‌گیرد/ آتش اول به کاغذ و پوشال/ بعد کم‌کم به چوب می‌گیرد»(آذریزدی، ۱۳۶۹: ۹)؛ و در ادامه می‌گوید:

«مایه‌ی خوشدلی زبان خوش است/ بدزبانی جواب بد دارد/ مار را با زبان خوش گیرند/ موشِ ترسو که جای خود دارد»(همان:۱۰) و بعد ادامه می دهد:

«موش‌ها خودپسند و خودخواهند/ اندکی باوقار و سنگین باش/ گردو و قند دوست می‌دارند/ در سخن چرب باش و شیرین باش» (همان:۱۱).

در شعر «بلبل و بچه‌اش» بلبلِ مادر فرزندش را به صبر و پشتکار تشویق می‌کند و می‌گوید:

«اندک اندک شود درخت بزرگ/ دانه دانه است غله در انبار»(همان:۱۷).

در شعر «لحاف کرسی» لحاف به کرسی می‌گوید:

«اگرچه پاره‌کنی سینه‌ام زگوشه‌ی نیش/ من آن نیم که به قهر از تو دست بردارم» (همان:۳۲)؛ در شعر «خودنویس و مداد» نیز ابیاتی زیبا دارد:

«عمر هم چندان ندارد اعتبار/ عمر آهو کمتر است از سوسمار» (همان:۳۹)؛

«عمر تو در شیشه‌های جوهر است/ شیشه‌ی عمر تو سیم است و زر است» (همان)؛

www.SID.ir

Archive of SID

«چون به ولخرجی کسی عادت کند/ خود دکان خویش را غارت کند» (همان)؛
«چون تجمل شیوه شد درویش را/ خود کند ویران سرای خویش را»(همان).

۳-۴. کاربرد موسیقی در زبان شعری آذریزدی

کودک زیبایی کلام را در موسیقی آن باز می‌یابد و معانی را با موسیقی می‌آمیزد (کیانوش، ۱۳۵۵: ۱۵). «آنچه نخست کودک را به طرف شعر جلب می‌کند وزن و آهنگ آن است» (آهی و دیگران،۱۳۵۶: ۹۱)، و هرچه کودک کم سن‌وسال‌تر باشد، قالب و وزن شعر باید هیجان‌انگیزتر بوده و بر مبنای بازی با صداها و کلمات انتخاب شده باشد (قزل‌ایاغ،۱۳۸۳: ۲۱۸و ۲۰۲). وزن شعر کودک معمولاً کوتاه و روان و نیز وزنی ضربی و نشاط‌آور است و هر مصراع از شعر کودک، غالباً دو رکن عروضی دارد (جلالی،۱۳۸۹: ۸۰).

بحرهای «هزج» (مفاعیلن)، «رمل» (فاعلاتن)، «رجز» (مستفعلن) و مشتقات آن‌ها را امروزه پرکاربردترین اوزان شعر کودک می‌دانند (علی‌پور،۱۳۸۳: ۶۱).

در شعر کودک ابتدا زبان و سپس قالب اهمیت دارد؛ بهترین قالب برای اشعار متعلّق به کودکان کم سن و سال، قالب مثنوی آن هم در وزن‌های کوتاه و کم هجا است و کودک از تکرار و در نتیجه از قافیه‌ی خوش مثنوی لذت می برد (سرامی،۱۳۸۳: ۲۱-۲۷)؛ اما قالب مثنوی، کم‌تر در اشعار این گروه سنی استفاده شده است (موسویان، ۱۳۸۹: ۵۵)؛ و قالب چهارپاره پرکاربردترین قالب شعری کودک و نوجوان از ابتدا تا امروز بوده است. در چهارپاره، قافیه‌سازی آسان است و محدودیتی هم برای ابیات وجود ندارد و شاید از دلایل استقبال شاعران کودک و نوجوان از این قالب همین ویژگی‌های آن باشد (همان: ۵۴). امروزه اشعار کودک و نوجوان در قالب‌های مختلف دیگر مانند «غزل»، «قالب نیمایی»، «ترجیع بند» و ... نیز سروده می‌شوند؛ از قالب‌های قطعه و قصیده کم‌تر استفاده می‌شود.

قافیه نیز در آهنگین کردن شعر و جذب کودک مؤثر است؛ زیرا کودکان از بازی با صداها و آهنگ کلمات و حروف لذت می‌برند(یمینی شریف،۱۳۷۲: ۱۶۰) هم‌چنین وجود قافیه به خوش‌آهنگی شعر کمک می‌کند. (آهی و دیگران، ۱۳۵۶: ۹۲).

www.SID.ir

Archive of SID

از آن‌جا که شعر کودک باید کوتاه باشد تا کودکان خسته و دلزده نشوند(یمینی شریف،۱۳۷۲: ۱۶۲) طول هر مصراع که متناسب با ارکان عروضی آن است و هم‌چنین تعداد ابیات هر شعر نیز باید درنظر گرفته شود.

در اشعار آذریزدی سه شعر «گربه و موش»، «طوطیانه» و «قوری و سماور» در وزن «فاعلاتن، مفاعلن، فع لن» سروده شده‌اند، هم‌چنین شعر «بلبل و بچه‌اش» در وزن «فعلاتن، مفاعلن، فع لن»، شعر «لحاف کرسی» در وزن «مفاعلن، فعلاتن، مفاعلن، فع لن»، شعر «کوزه و آب» در وزن «فاعلاتن، مفاعلن، فعلن» و شعر «خودنویس و مداد» در وزن «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن» سروده شده است که از اوزان نشاط‌انگیز نیستند؛ اما در دسته‌ی اوزان پرکاربرد برای شعر کودک و نوجوان قرار دارند. آذریزدی در موارد بسیاری نیز از اختیارات شاعری استفاده کرده است.

آذریزدی در کتاب *هشت بهشت* سه شعر «گربه و موش»، «طوطیانه» و «کوزه و آب» را در قالب چهارپاره و دو شعر «لحاف کسی» و «قوری و سماور» را در قالب قطعه سروده است؛ قالب شعر «بلبل و بچه‌اش»، قصیده و قالب شعر «خودنویس و مداد» مثنوی است.

قافیه‌ها در اشعار او معمولاً ساده و به آسانی قابل درک‌اند؛ اما آذریزدی کم‌تر در آن‌ها، از واژگان زیبا و جذاب و به خاطرماندنی استفاده کرده است. او در زمینه‌ی گزینش واژگان و افعالی که در جایگاه ردیف قرار می‌گیرند نیز ویژگی خاصّی را در نظر نداشته است؛ قافیه‌ها و ردیف‌ها در اشعار او از این دست‌اند: «نازی»، «بازی»، «شکار»، «ناهار» (آذریزدی،۱۳۶۹: ۷)، «یکسر»، «در»، «ورم»، «بخورم»، «بی ادب است»، «عجب است»، «سر داد»، «مادر داد»، فدای سرت، خبرت، (همان:۸) «بپذیر»، «بگیر»، «دشمن»، «سخن»، «افتی»، «رفتی»، (همان:۲۸) «تباه کند»، «سیاه کند»، «هست»، «دست»، «بادام»، «رام»، «طوطیانه نبود»، «فسانه نبود» (همان:۲۹) در یکی دو مورد نیز می‌توان بر قافیه‌پردازی او ایراد گرفت؛ مثلاً در جایی واژه‌ی «ننه» را با «چه» هم‌قافیه کرده است: «گفت یک موش دیدم ای ننه جان/ موش خوبی، ولی به جانِ ننه/ چون که گفتم بیا تو را بخورم/ ناسزا گفت و رفت. یعنی چه؟» (همان: ۸).

در بررسی اشعار آذریزدی باید گفت طول مصراع‌ها در شعر «لحاف کرسی» اندکی طولانی، و در اشعار دیگر متوسط به نظر می‌رسند و تعداد ابیات نیز در اشعار

www.SID.ir

Archive of SID

«کوزه و آب»، «لحاف و کرسی» و«قوری و سماور»، کم و متناسب با گروه سنی مورد نظر است؛ یعنی به ترتیب ۱۶بیت، ۱۸بیت و ۲۸ بیت؛ شعر «طوطیانه» در ۵۲ بیت، «بلبل و بچه‌اش» در ۶۵ بیت، «گربه و موش» در ۷۰بیت و «خودنویس و مداد» در ۸۲ بیت سروده شده اند که برای مخاطب کودک و نوجوان بیش از حد طولانی به نظر می‌رسند.

۴. به کارگیری محتوای مناسب در اشعار آذریزدی

به طور کلی مفاهیم و افکاری که در ادبیات کودکان بیان می‌شوند باید ارزشمند بوده، هم‌چنین شخصیت، منش و ارزش‌های اخلاقی آنان را پرورش دهد و روش زندگی فردی و اجتماعی در کودکی و بزرگسالی را به آنان بیاموزد (شعاری‌نژاد، ۱۳۴۵: ۵۱). به طور جداگانه برای کودکان گروه سنی «ج»، مفاهیمی مانند تخیلات علمی و فلسفی، موضوعات واقعی، زندگی اجتماعی، شرح‌حال‌ها، ماجراهای قهرمانی، داستان‌های عشقی و عاطفی و مباحث علمی و تاریخی (آهی و دیگران، ۱۳۵۶: ۶۳-۶۴) و برای کودکان گروه سنی «د»، نیز مضامینی از جمله معرفی شخصیت‌های تاریخی، شرح اکتشافات و اختراعات و داستان‌های عشقی در نظر گرفته می‌شوند (همان:۱۱). اما به این نکته‌ی بسیار مهم نیز باید توجه داشت که هرچند بار مسئولیت مهم آموزش و تربیت کودکان بر دوش پدیدآورندگان ادبیات کودک است، اما «هدف اصلی ادبیات کودکان داستان است و افزودن بر اطلاعات مخاطب نه پند و نصیحت» (محجوب، ۱۳۵۶: ۴۶) و سرگرم کننده و لذت‌بخش بودن و ایجاد عادت مطالعه نیز از ویژگی‌های لازم ادبیات کودک به شمار می‌روند (سلطان‌القرایی، ۱۳۸۴: ۳۵)؛ بنابراین، در ادبیات کودکان نباید داستانگو به واعظ، و داستان به درس اخلاق تبدیل شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۴۰) و شعر کودک نیز «نباید وسیله‌ی آموزش مستقیم قرار گیرد» (آهی و دیگران، ۱۳۵۶: ۹۲).

در اشعار آذریزدی سخنانی پندآمیز و حکمت‌آموز در ضمن گفتگوهای شخصیت‌ها می‌آید؛ اما با حضور مستقیم و بیش از حدّ راوی در متن مواجه نیستیم. در پایان شعر نیز شاعر ، به نصیحت، تأکید بر نتیجه‌گیری، دخالت و سخن گفتن با مخاطب نمی‌پردازد. این روش مطابق با اصول ادبیات کودک است که نتیجه‌ی اخلاقی باید به صورت ضمنی و بدون تصریح و مستقیم‌گویی باشد. (شعاری‌نژاد،۱۳۴۷: ۹۴) تا

www.SID.ir

Archive of SID

خود مخاطب به نتیجه‌ی مورد نظر مؤلف برسد. (محجوب،۱۳۵۶: ۴۶) و همچنین تأکید نویسنده بر لزوم نتیجه‌گیری کودک و نوجوان از داستان، مخالف اصول ادبیات کودک است (رحماندوست،۱۳۶۴: ۷۲-۷۳). محتوای سه شعر انتخابی آذریزدی در این کتاب حکایت و داستان و محتوای چهار شعر دیگر مناظره است؛ طبعا قصه و روایت توجه و علاقه‌ی کودک را به شعر جلب می‌کند(یمینی شریف۱۳۷۲:۱۶۰) و مناظره و گفت‌وگو نیز از نخستین شکل‌های ادبیاتی است که مورد توجه کودک و نوجوان قرار داشته است.

بخشی از اندرزنامه‌ها و دستورهای اخلاقی که به‌ویژه در دوره‌ی ساسانیان رواج زیادی داشتند، عبارت از گفتگوهایی است که در مشهورترین اثر ادبی پیش از اسلام یعنی منظومهٔ درخت آسوریک دیده می‌شود و مورد توجه بزرگسالان و هم‌چنین کودکان بوده است (محمدی،۱۳۸۱،ج۱: ۱۸۴-۱۸۵)؛ مناظره اغلب بین دو شخصیت اتفاق می‌افتد و آذریزدی نیز در اشعار خود از همین اصل پیروی کرده است، اما در شعر «لحاف و کرسی»، ابتدا مناظره‌ی «لحاف» و «کرسی» شرح داده می‌شود و بعد «آتش» وارد شعر شده، شنونده‌ی شعر را مورد خطاب قرار می‌دهد و از سودمندی و گمنامی خود می‌گوید (آذریزدی،۱۳۶۹: ۳۱-۳۲).

از آنجا که در ادبیات کودکان، اعمال و حوادث بیش از توصیف و جنبه‌های دیگر داستان اهمّیّت دارد (شعاری‌نژاد، ۱۳۴۵: ۲۶)، نبودن خلاقیت و هیجان و انگیزه‌ی لازم در برخی گفت‌وگوها، موجب بروز نوعی یکنواختی در محتوای اشعار آذریزدی شده است؛ در صورتی که او می‌توانست با اندکی نوآوری، گفتگوها را تازه‌تر و در نتیجه اشعار خود را جذاب‌تر کند؛ اما آذریزدی به مفاهیم آموزشی و پند و اندرز بیش‌تر توجه داشته و زبان پند و اندرز و غیر کودکانه را در سروده‌های خود به کار برده است:

«زندگی را هزار مشکل هست/ چاره‌اش گاه ساده گه دشوار/ گر ز دشمن کسی حذر نکند/ بیند از دشمنان بسی آزار/ تو هنوز از قفس ندیدی هیچ/ لانه‌ای بسته شش طرف به حصار» (آذریزدی، ۱۳۶۹: ۱۷)

در عرصه‌ی ادبیات کودک، شعری پذیرفته است که با دیدگاه کودکانه و به همراه احساسات کودکانه بیان شده باشد (قزل ایاغ، ۱۳۸۳: ۲۰۶-۲۰۸)؛ اما آذریزدی زبان را در آفرینش و بیان خیال‌پردازی‌ها و زیبایی‌آفرینی‌های شاعرانه به کار نمی‌گیرد و

www.SID.ir

Archive of SID

احساسات خود را به زبانی ساده و روان بیان می‌کند، بنابراین، در اشعار او از دیدگاه و احساس کودکانه اثری نیست. احساسات در اشعار او، همان احساسات خود او است که نسبت به جهان و موضوعات مربوط به آن و از زبان اشیاء و حیوانات بیان می‌شود. در باور پژوهش‌گران، به کار بردن زبان سالم و مطابق با قوانین زبانی و ادبی، به تنهایی سبب لذت بردن کودک از شعر نمی‌شود و شادی و خوشی و طنز باید از ویژگی‌های شعر کودک باشد. در واقع شعری برای کودک جالب و جذاب است که احساسات او را تحریک کند و به او امکان همدردی و همذات پنداری با شعر و شخصیّت‌های آن را بدهد (همان: ۲۱۸-۲۱۹).

محتوای اشعار مناظره‌ای او پرهیز از فخر فروشی (خودنویس و مداد)، ارزشمندی برخی افراد گمنام (لحاف کرسی)، ترک صحبت اغیار (طوطیانه)، قدر و حد خود را شناختن (کوزه و آب)، پرهیز از قضاوت بی‌جا (قوری و سماور)، صبر و پشتکار (بلبل و بچه‌اش)، فریب سخنان فریبنده را نخوردن (گربه و موش)، نکوهش ولخرجی و هوسرانی و تجمل (خودنویس و مداد) و مفاهیمی از این دست است؛ در حالی که در شعر کودک و نوجوان، باید بیش‌تر از کنجکاوی‌های کودکان درباره‌ی محیط و دیگران سخن رفته باشد (قزل‌اياغ، ۱۳۸۳: ۲۰۹)، وطبعاً موضوع شعر باید مربوط به دنیای کودکان باشد (آهی و دیگران، ۱۳۵۶: ۹۰)؛ اما محتوای اشعار آذریزدی کم‌تر با دغدغه‌های روزانه و افکار و احساسات کودک و نوجوان نزدیکی دارد. او دراین اشعار، احساساش را نسبت به مسائل مختلف بیان داشته و با زبان پند و اندرز افکار و تعلیم‌های خود را به کودک و نوجوان عرضه کرده است (برای نمونه ر.ک. آذریزدی، ۱۳۶۹: ۱۷). گاه در دسته بندی اشعار برحسب مخاطبان، اشعاری را که طولانی‌تر و دشوارتر به نظر می‌آیند به گروه سنی نوجوانان نسبت می‌دهند؛ در حالی که در این تقسیم‌بندی باید به نیازها و علاقه‌مندی‌های مخاطبان توجه شود نه سطح سادگی و دشواری محتوا و ساختار اثر (قزل‌اياغ، ۱۳۸۳: ۲۲۰)؛ بنابراین، شاید بتوان گفت اشعار آذریزدی نیز از جمله آثاری است که هر چند بر حسب سطح دشواری واژگان و مفاهیم برای گروه سنی نوجوان قابل فهم است، نمی‌توان آنها را آثاری هماهنگ با نیازها و سلیقه‌های این دوره‌ی سنی به شمار آورد.

www.SID.ir

Archive of SID

۵. نتیجه‌گیری

زبان اشعار آذریزدی، تا آنجا که ضرورت‌های وزنی ایجاب می‌کرده، زبانی سالم و به‌دور از اشکالات و اشتباه‌های زبانی است، اما در اشعار او، گاه به کلمات و عباراتی برمی‌خوریم که ممکن است برای خواننده ناآشنا باشد و درک اثر را قدری با مشکل همراه کند. در اشعار او، چه در زمینه‌ی واژگان و چه در زمینه‌ی جمله‌سازی، زبانی کهن به کار گرفته شده که در همان دوران نیز با زبان متداول و معیار و زبان آشنای کودکان فاصله داشته است.

در اشعار آذریزدی، صنایع ادبی به چشم نمی‌خورد و شاعر با کاربرد واژگان، عبارات و اصطلاحات عامیانه، تلاش کرده زبان شعرخود را به زبانی آشنا تبدیل کند که در بسیاری موارد نیز موفق بوده است؛ هم‌چنین علاوه بر نزدیک شدن زبان داستان به ذهن مخاطب و افزایش دایره‌ی واژگانی او، فضای سالم و کلاسیک متن نیز حفظ شده است.

اوزان اشعار او در دستهٔ اوزان پرکاربرد شعر کودک و نوجوان قرار دارند؛ قافیه‌ها معمولاً ساده و قابل فهم‌اند. آذریزدی در این کتاب، سه شعر را در قالب «چهارپاره»، پرکاربردترین قالب شعری کودک و نوجوان و دو شعر را نیز در قالب «قطعه» سروده است؛ قالب شعرهای دیگر او قصیده و مثنوی است.

نبودن خلاقیت در مکالمات و قرار ندادن هیجان و انگیزه‌ی لازم در برخی گفت‌وگوها، موجب ایجاد نوعی یکنواختی در محتوای اشعار شده است؛ آذریزدی به مفاهیم آموزشی و پند و اندرز توجه داشته و زبان را در آفرینش خیال‌پردازی‌ها و زیبایی‌های شعری به کار نمی‌گیرد و احساسات خود را به زبانی ساده و روان بیان می‌کند.

فهرست منابع

آذریزدی، مهدی. (۱۳۵۱). *قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن* (مجموعه کامل ده جلد در یک کتاب). تهران: اشرفی.

ـــــــــــــ (۱۳۷۵). «تابستان‌های نوجوانی». *مهدی آذریزدی، زندگی و آثار*، به کوشش مجلهٔ سورهٔ نوجوانان، تهران: حوزهٔ هنری، صص ۵۳-۵۹.

www.SID.ir

Archive of SID

آهی(ایمن)، لیلی و دیگران. (۱۳۵۶). *گذری در ادبیات کودکان*. تهران: شورای کتاب کودک.

ابراهیمی، نادر. (۱۳۵۳). *فارسی‌نویسی برای کودکان*. تهران: سازمان همگام با کودکان و نوجوانان به سرمایه‌ی مؤسسه‌ی انتشارات ایران کتاب.

بابایی، رضا. (۱۳۸۷). «فواید و قواعد ساده نویسی». *پژوهش و حوزه*، سال ۹، شماره‌ی ۳۳، صص ۱۸۲-۲۱۱.

جلالی، مریم. (۱۳۸۹). «اوزان عروضی در شعر کودک». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، سال ۱۴، شماره‌ی ۱۵۹، صص۷۹-۸۲.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.

رحماندوست، مصطفی. (۱۳۶۴). *قصه‌گویی، اهمیت و راه و رسم آن*. تهران: ارشد، چاپخانه سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رهگذر، رضا. (۱۳۶۶). *و امّا بعد ...* (چند و چونی در ادبیات کودکان و نوجوانان). تهران: حوزه‌ی هنری.

سرامی، قدمعلی. (۱۳۸۳). *پژوهشی در شعر کودک*. مقدمه‌ی منوچهر علی‌پور، تهران: تیرگان، صص ۹-۳۰.

سلاجقه، پروین. (۱۳۸۷). *از این باغ شرقی*(نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

سلطان‌القرایی، صادق. (۱۳۸۴). *ادبیات کودکان و نوجوانان و هویت فرهنگی*. تهران: دردانه.

شجری، رضا. (۱۳۸۴). *بررسی و تحلیل ادبیات کودکان در ایران*. تهران: عیاران.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۴۵). *اصول ادبیات کودکان*. تهران: موسسه مطبوعاتی سروش.

ـــــــــــــــ . (۱۳۷۴). *اصول ادبیات کودکان*. تهران: سروش.

عریان، سعید. (بهار۱۳۷۷). «کتابت در ایران پیش از اسلام». *فصلنامه‌ی کتاب*، شماره‌ی ۳۳، صص۷-۱۳.

علی‌پور، منوچهر. (۱۳۸۳). *پژوهشی در شعر کودک*. تهران: تیرگان.

فروغی، محمّدعلی. (۱۳۸۹). *آیین سخنوری*. تهران: سرایش و صدای معاصر.

www.SID.ir

Archive of SID

قاسم‌نژاد، علی. (۱۳۷۶). «عنوان داستان». *فرهنگنامه‌ی ادبی فارسی*، به سرپرستی حسن انوشه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ج۲، صص۹۹۶-۹۹۷.

قزل‌اياغ، ثریا. (۱۳۸۳). *ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

کیانوش، محمود. (۱۳۵۵). *شعر کودک در ایران*. تهران: آگه.

ـــــــــــــ (۱۳۵۰). *زبان چیزها*. تهران: رز.

محجوب، محمّدجعفر. (۱۳۵۶). *انتخاب و انطباق منابع ادب فارسی برای تدوین کتاب‌های کودکان و نوجوانان*. تهران: شورای کتاب کودک.

محمّدی، محمّدهادی و زهره قایینی. (۱۳۸۱). *تاریخ ادبیات کودکان ایران*. ج۱، تهران: چیستا.

ـــــــــــــــــــــــــ .(۱۳۸۰). *تاریخ ادبیات کودکان ایران*. ج۴، تهران: چیستا.

ـــــــــــــــــــــــــ (۱۳۸۳). *تاریخ ادبیات کودکان ایران*. ج۵، تهران: چیستا.

موسویان، انسیه. (۱۳۸۹). «قالب شعر کودک و نوجوان». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، شماره‌ی ۱۵۹، صص۵۳-۵۸ .

هاشمی نسب، صدیقه. (۱۳۷۱). *کودکان و ادبیات رسمی ایران*. تهران: سروش.

یمینی‌شریف، عباس. (۱۳۷۲). «شعر کودک و نوجوان». مندرج در *۱۷مقاله درباره‌ی ادبیات کودکان*، تنظیم‌کننده: معصومه سهراب (مافی)، تهران: شورای کتاب کودک، صص ۱۵۲-۱۶۹.

www.SID.ir